تقویم جهانی و تقویم محلی در نصف النهار دحوالارض و نصف النهار زوال

(44:35)

شاگرد: ظاهراً ذهن شریف شما با اصل آن موافق است. در ذهن من تتمه ای هست؛ اگر در طول فرمایش شما که برای تکوین بود، شب و روز باشد، طبیعتاً باید یک ماهی را اعتبار کنیم. پس با نصف النهار دحو الارض یک ضابطه برای کل دادیم، یک ضابطه هم همان روایات قبل از زوال است که مربوط به هر بلد است.

استاد: یعنی اگر طولی حساب کنیم و از حیث میقات عمومی جلو برویم، نه از حیث میقات محلی، اگر بخواهیم تقویم طول تاریخ را منظم کنیم و برای کل کره حرف بزنیم، سراغ یک نصف النهار تکوینی معیّن - دحو الارض - میرویم. از آن جا آمدیم و حالا میخواهیم احکام خاص فقهی را برای افق محلی اجراء کنیم. برای آن جا یک راه همین نصف النهار خود محل است. ولو دیشبش دیده نمیشد. این یک مرحله است. مرحله بعدیش این است که کاری به این نصف النهار نداشته باشیم، بلکه با غروب هر بلدی کار داشته باشیم. همانی که مشهور میگویند.

شاگرد۲: یعنی لازمه اش دو میقات میشود؟ یک میقات فردی و یک میقات جمعی؟ احکام جمعی یک میقات دارد و احکام فردی یک میقات؟

استاد: یعنی ما یک میقاتی داریم برای چیزهای تکوینی که شارع برای کل شهور فرموده است. ما یک میقات محلی داریم برای مکلفین هر شهری تا بتوانند طبق موضوع آن حکم شرعی کار خودشان را انجام بدهند. روز که میخواهد روزه بگیرد، نمیتواند از دوازده تا نصف شب بگیرد. روز را روزه میگیرد. روز هم روز خودش است و محل خودش است. این هم اصلاً مشکلی ایجاد نمیکند. مثلا وقتی هنوز روز شما است و افطار روزه بر شما حرام است، غروب مشهد است و افطار میکنند. هیچ مشکلی هم ندارند. آنها برای خودشان میگیرند. همینطور در صبح است؛ شما دارید سحری میخوردی ولی بر آنها حرام است سحری بخورند، چون طلوع فجر شده است. وقتی آنها احکام خودشان را بعنوان اینکه روز را باید روزه بگیرند و روز آنها با ما مختلف است، انجام می دهند؛ لذا متفاوت انجام میدهند. اما اگر بخواهیم بعنوان شب قدر شخصی انجام بدهیم، میبینیم فضا تغییر میکند. ما باید میقاتی برای اینها تعیین کنیم.

شاگرد: قبلاً در بین اقوال، قبل از زوال را علی اشکالِ توقیت کردید. یعنی وقتی که بخواهیم اول ماه محلی را تعیین کنیم.

استاد: بله، چرایی آن هم همان تفصیلاتی بود که اگر در مُعظمِ شب شریک باشند. یعنی آلآن قیدی که مرحوم آقای خوئی به فرمایششان زدند، این بود که مُعظم شب را اضافه کردند. سؤالات و اشکالاتی را در آن جا داشتیم. ما برای دفع آن اشکالات و لوازم آن مبانء، و همچنین اشکالاتی که

در قول مشهور برای غروب بود، عرض کردم اَسلم ِاز آن اشکالات این است که نصف النهار کل بلد ِرا فرض بگیریم.

شاگرد۲: ثبوتا هیچ مانعی ندارد که دو میقات باشد. ولی در مقام اثبات اگر بیان شارع این باشد که دو میقات جعل کرده باشد، در جاهایی که زمان احکام مشخص نباشد، ممکن است دچار تردید بشویم آن میقات فردی که براساس سوم و لیله تنظیم شده معیار است یا همان میقاتی که جانی است؟

استاد: این هم فرمایش خوبی است. ببینید آن جا چون میقات، ماه است؛ ماه یک دور گشتن است، پس این حرکت شخصی است که یک ماه است. آن جا اصل بر این است که اگر یک احکامی برای شهر میآید، برای آن شخص و میقات اولیه است. اگر احکامی میآید که طلوع و غروب دارد، یعنی احکامی است که مربوط به حرکت وضعی زمین به دور خودش است، احکامی است که خلاف آن اصل میشود. مثلاً در روزه میگوییم از طلوع فجر است تا غروب؛ «حَتّٰى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ»[1] دلیل چیست؟ دلیل ِخودشان است. اینجا معلوم است که موضوع حکم، ولو در شهر مبارک است، امام موضوعش منوط بهروز و شب است.

---

[1] البقره ۱۸۷

بازبینی #2
ایجاد شده 26 ژانویه 2026 14:17:11 توسط ... .
به روزرسانی شده 26 ژانویه 2026 14:51:52 توسط ... .